

ایران ورزشی

ورزشگاه‌های غیراستاندارد بالای جان باشگاه‌های فوتبال ایران شده است

اجاره‌نشینی میلیاردرها!

فوتبال انگلستان، استادیوم مولینو،

متعلق به باشگاه ولورهمپتون، جایگاه

نخست را به خود اختصاص داده است.

این ورزشگاه در دهه ۱۹۸۰ با سکوهای فرسوده و فضایی افسرده، نماد افول یک باشگاه باسابقه محسوب می‌شد؛ اما امروز، به لطف بازسازی‌های هوشمندانه، ساخت سکوهایی به نام اسطوره‌های باشگاه، نصب مجسمه بیلی‌رایت و ایجاد فضایی منحصربه‌فرد از نظراًکوستیک و اتمسفر هواداری به یکی از جذاب‌ترین ورزشگاه‌های فوتبال انگلیس تبدیل شده است.

در نقطه مقابل، استادیوم برادفیلد، متعلق به کراولی تاون، نمونه‌ای از معماری بی روح و فاقد هویت به‌شمار می‌رود. این ورزشگاه که در سال ۱۹۹۷ در حاشیه شهر ساخته شد، به دلیل فاصله گرفتن از بافت شهری و بهره‌گیری از طراحی ارزان قیمت و یکنواخت، به نمادی از فرصت‌سوزی‌های معماری پس از انتشار گزارش تیلور تبدیل شده است.

همین مقایسه‌نشان می‌دهد که در فوتبال انگلیس حتی کوچک‌ترین جزئیات معماری و فضاسازی ورزشگاه‌ها نیز از نگاه دقیق هواداران پنهان نمی‌ماند. تماشاگر انگلیسی تنها برای دیدن یک مسابقه به ورزشگاه نمی‌رود؛ او کیفیت تجربه حضور در ورزشگاه را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

ولی مقایسه وضعیت زیرساختی فوتبال

ایران با کشوری مانند انگلستان، شگافی

عمیق و نگران‌کننده را آشکار می‌کند؛

شکافی که نه از تفاوت در میزان علاقه

مردم به فوتبال، بلکه از دو رویکرد

کاملاً متفاوت نسبت به مفاهیمی مانند

مالکیت، سرمایه‌گذاری، مدیریت منابع و

توجه به هوادار ناشی می‌شود.

این تفاوت‌ها در ساختار استادیوم‌های

فرسوده و بعضاً ناآیین خود را از طریق

برنامه‌ریزی بلندمدت و بازسازی‌های

اصولی به مجموعه‌هایی سودآور و

چندمنظوره تبدیل کند؛ مجموعه‌هایی که

علاوه بر میزبانی مسابقات فوتبال به مراکز

فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرها

نیز تبدیل شده‌اند. در مقابل، بسیاری از

ورزشگاه‌های ایران همچنان با مشکلاتی

مانند فرسودگی زیرساخت‌ها، نبود الگوی

مدیریتی پایدار، کمبود سرمایه‌گذاری،

بهره‌برداری غیراقتصادی دست‌وپنجه

نرم می‌کنند.❧

تنوع، مالکیت و هویت؛ سه ضلع

موفقیت فوتبال انگلیس

۷۲ ورزشگاه حاضر در لیگ فوتبال

انگلستان، مجموعه‌ای کم نظیر از

معماری، تاریخ و هویت محلی را به

نمایش می‌گذارند. از استادیوم‌های کاملاً

مدرن گرفته تا ورزشگاه‌های قدیمی و

خاطره‌انگیزی مانند بلاندل پارک گریمزنی

که سکوی اصلی آن بیش از یک قرن

قدمت دارد، هر ورزشگاه روایتگر داستانی

منحصربه‌فرد از تاریخ، فرهنگ وزیست‌بوم

منطقه خود است.

این تنوع چشمگیر، حاصل یک رویکرد

تاریخی و مدیریتی شفاف است؛ رویکردی

که در آن باشگاه‌ها مالکان واقعی و

ورزشگاه‌های خود هستند و برای بقا در

فضای رقابتی فوتبال حرفه‌ای، ناگزیرند

به‌طور مستمر در زیرساخت‌های خود

سرمایه‌گذاری کنند. در چنین ساختاری،

کیفیت ورزشگاه نه یک انتخاب، بلکه یک

ضرورت اقتصادی است.

ارزایی‌های میدانی و با‌خورد هواداران

نیز ایجاد دقیق‌تری از این مسأله را آشکار

می‌کند. در بررسی جامع ورزشگاه‌های

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جاری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۵۴۱۱۳ • فاکس: ۸۴۷۱۱۷۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۰۲۱-۸۸۵۵۴۱۳۰
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۰۲۱-۸۸۵۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

وقتی نام ورزشگاه‌ها هم تبدیل به یک دارایی می‌شود!

می‌شوند که نام برند حامی، با هویت ورزشگاه گره می‌خورد؛ نمونه‌های بارز آن، «امارات» و «سینگال ایدنوا پارک» هستند و اقتصاد ورزش جهان نشان می‌دهد یک ورزشگاه دیگر فقط یک ساختمان برای برگزاری مسابقه نیست؛ نام آن، جایگاه تبلیغاتی، ارزش برند و یک منبع درآمد چندصد میلیون دلاری است.

باشگاه‌ها امکان می‌دهد تا از طریق همکاری با شرکت‌های بزرگ، درآمد‌های قابل توجهی کسب کنند.

شرکت‌های بیمه، خطوط هوایی و حتی صنایع غذایی، با پرداخت ده‌ها میلیون یورو، نام خود را بر تارک استادیوم‌های مشهور حک می‌کنند. این همکاری‌ها، گاه به قدری عمیق و طولانی

در فوتبال و ورزش حرفه‌ای، یک ورزشگاه فقط از بلیت‌فروشی، تبلیغات و حق پخش درآمد ندارد؛ حتی نام آن هم می‌تواند یک دارایی تجاری باشد. در این راستا، شرکت‌های بزرگ برای قرار گرفتن نام‌شان بر روی ورزشگاه‌ها، قراردادهای چندساله و چندصد میلیون دلاری امضا می‌کنند. این رویکرد که از اروپا تا ایالات متحده گسترش یافته، به



سهم ورزش از اقتصاد ایران فقط نیم‌درصد است

رئییسی کیا: قانون واگذاری باید تسهیل شود



واگذاری اماکن و استادیوم‌های ورزشی یکی از موضوعات مهم در مسیر تغییر ساختار اقتصادی ورزش ایران است؛ موضوعی که به اعتقاد کارشناسان، صرفاً با انتقال مالکیت یک ورزشگاه از دولت به بخش خصوصی به نتیجه نمی‌رسد و نیازمند تدوین یک چهارچوب قانونی

و اقتصادی مشخص است. صادق رئیسی کیا، کارشناس حوزه ورزش

معتمد است، دولت باید در نگاه خود به اقتصاد ورزش بازنگری کند

و شرایطی را فراهم آورد که سرمایه‌گذاری در این حوزه برای بخش

خصوصی توجیه اقتصادی داشته باشد.

رئییسی کیا در ابتدای صحبت‌های خود در گفت‌وگو با ایران

ورزشی درباره موضوع واگذاری به برداشت عمومی نادرست از

این مقوله پرداخت و در این باره اظهار داشت: «خصوصی‌سازی در

حوزه ورزش فقط به سهام باشگاه‌ها محدود نمی‌شود و پروژه‌های

لزمه‌تمام دولتی، استادیوم‌ها، اماکن و اراضی ورزشی که بهره‌وری

آن‌ها از آنها به عمل نمی‌آید نیز می‌توانند در این فرایند قرار بگیرند.

البته این واگذاری‌ها باید در قالب یک قانون درست و جامع به

تصویب برسد تا هم منافع دولت و مردم حفظ شود و هم بخش

خصوصی با اطمینان وارد این حوزه شود.»

این کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، مهم‌ترین عامل در موفقیت

طرح‌های واگذاری را «ایجاد جذابیت برای بخش خصوصی» دانست

و تصریح کرد که سرمایه‌گذار بدون چشم‌انداز سودآوری هیچ‌گاه

با به میدان نمی‌گذازد: «در مورد واگذاری استادیوم‌های ورزشی

باید افزونه‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی دیگری نیز در نظر گرفته

شود تا سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی جذابیت داشته باشد.

به بیان دیگر، صرف انتقال یک ساختمان با مجموعه ورزشی به

سرمایه‌گذار، الزاماً به معنای ایجاد یک فعالیت اقتصادی موفق

نیست. سرمایه‌گذار زمانی وارد می‌شود که چشم‌انداز سودآوری و

بازگشت سرمایه را ببیند. هرچه بازگشت سرمایه در مدت کوتاه‌تری

اتفاق بیفتد، جذابیتش برای سرمایه‌گذاری نیز افزایش پیدا می‌کند.

بنابراین قانون واگذاری در ورزش باید علاوه بر تعیین تکلیف اماکن

موجود، شرایطی را فراهم کند که سرمایه‌گذار بتواند در بخش‌های

جانبی و فعالیت‌های مکمل نیز سرمایه‌گذاری کند.»

این کارشناس با اشاره به این موضوع که دولت باید رویکرد خود

را نسبت به ورزش تغییر دهد و قانون واگذاری را تسهیل کند،

توضیح داد: «دولت ناگزیر است که رویه خود را نسبت به ورزش

تا حدی تغییر دهد. پیش‌بینی من این است که قانون واگذاری با

هدف تسهیل بیشتر اصلاح‌شده و امکان خرید اقساطی در بازه‌های

زمانی بلندمدت برای متقاضیان فراهم شود. سهم ورزش از اقتصاد

کشور حدود نیم‌درصد است و این رقم بسیار پایین است. تا زمانی

که تقاضا برای خدمات ورزشی افزایش پیدا نکند، نمی‌توان انتظار

داشت سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این حوزه‌شکل بگیرد. این زمانی

اتفاق می‌افتد که شرایط اقتصادی خانواده‌ها در سطح مطلوبی باشد

و هزینه‌ها در حد متوسط باشد. باید به‌دقت به این موضوع توجه کرد.

پایان دهه‌ها، یک تحول بزرگ در ساختار ورزشی ایران رقم خورد. اما

این تحول، نه به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت، بلکه به‌دلیل تغییر در

نقش دولت در ورزش بود. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

نقش خود را در ورزش تغییر داد. دولت به‌دلیل تغییر در ساختار مالکیت،

راه نجات: اصلاحات ساختاری به جای

مسکن‌های مقطعی

خروج فوتبال ایران از این وضعیت چالش

برانگیز، نیازمند تصمیم‌هایی جسورانه، بنیادی

و بلندمدت است.

نخستین گام، واگذاری بلندمدت ورزشگاه‌های

اصلی کشور به باشگاه‌ها در قالب قراردادهای

بسیست تا سی ساله است. تنها در چنین شرایطی

است که باشگاه‌ها می‌توانند برای توسعه

زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی کنند، سرمایه جذب

کنند و از ظرفیت‌هایی مانند حق نام‌گذاری

سکوها، تبلیغات محیطی و درآمد‌های ناشی از

بلیت‌فروشی بهره‌برند.

گام دوم، تدوین استانداردهای اجباری و

غیرقابل‌چشم‌پوشی از سوی سازمان لیگ برای

صدور مجوز حرفه‌ای است. هیچ باشگاهی نباید

بدون برخورداری از زمین استاندارد، نور مناسب،

سامانه الکترونیکی فروش بلیت، امکانات ایمنی

و خدمات رفاهی اولیه، مجوز حضور در لیگ برتر

را دریافت کند.

گام سوم، تغییر نگاه به هوادار است. تا زمانی که

تماشاگر صرفاً به‌عنوان خریدار بلیت تلقی شود،

هیچ تحول پایداری رخ نخواهد داد. هوادار باید

به‌عنوان شریک اقتصادی و مهم‌ترین سرمایه

باشگاه شناخته شود. ورزشگاه‌ها نیز باید به

فروشگاه‌های رسمی، موزه‌های باشگاهی، فضاهای

تجاری، مراکز خدماتی و سامانه‌های حمل‌ونقل

مدرن، از جمله خطوط اختصاصی مترو و

اتوبوس، مجهز شوند.

اتوبوس به فوتبال از احترام به هوادار آغاز

می‌شود

فوتبال در ایران یک سرمایه عظیم اجتماعی و یک

عشق ملی است. میلیون‌ها نفر در سراسر کشور،

با وجود مشکلات اقتصادی، محدودیت‌های

زیرساختی و دشواری‌های متعدد همچنان

سکوها ورزشگاه‌ها را پر می‌کنند و به مسابقات

روح می‌بخشند.

اما ادامه این روند و تداوم بی‌توجهی به وضعیت

ورزشگاه‌ها، چیزی جز بی‌احترامی آشکار به این

سرمایه ارزشمند نیست.

تجربه فوتبال انگلستان نشان داده است که با

وجود اراده مدیریتی، خروج دولت از بنگاهداری،

مشارکت واقعی بخش خصوصی و احترام به

کرامت هواداران، می‌توان ورزشگاه‌ها را از یک

هزینه تحمیلی به یک فرصت اقتصادی، فرهنگی

و اجتماعی تبدیل کرد.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که مدیران ورزش

ایران، به جای ادامه چرخه فرسودگی، تعمیرات

مقطعی و سیاست‌های کوتاه‌مدت، با الگوبرداری

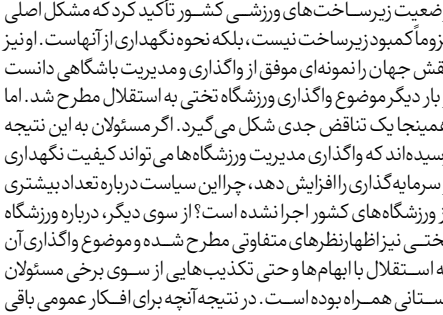
از ساختارهای موفق جهانی به این دور باطل

پایان دهند.

فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری به

ورزشگاه‌هایی نیاز دارد که نه نماد فرسودگی،

بلکه نشانه توسعه، احترام و افتخار ملی باشند.



وزیر ورزش هم بر ضرورت واگذاری تأکید کرد

این ماجرا البته محدود به اظهارات رئیس فدراسیون فوتبال نیست.

احمد دنیا‌مالی، وزیر ورزش و جوانان نیز در شهریور ۱۴۰۳ درباره

وضعیت زیرساخت‌های ورزشی کشور تأکید کرد که مشکل اصلی

لرزه‌ما کمبود زیرساخت نیست، بلکه نحوه نگهداری از آنهاست. اونیز

نقش جهان را نمونه‌ای موفق از واگذاری و مدیریت باشگاهی دانست

و بار دیگر موضوع واگذاری ورزشگاه تختی به استقلال مطرح شد.

همین‌جا یک تناقض جدی شکل می‌گیرد. اگر مسئولان به این نتیجه

رسیده‌اند که واگذاری مدیریت ورزشگاه‌ها می‌تواند کیفیت نگهداری

و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد، چرا این سیاست درباره تعداد بیشتری

از ورزشگاه‌های کشور اجرا نشده است؟ از سوی دیگر، درباره ورزشگاه

تختی نیز اظهار نظرهای متفاوتی مطرح شده و موضوع واگذاری آن

به استقلال با ابهام‌ها و حتی تک‌بیتی‌هایی از سوی برخی مسئولان

استانی همراه بوده است. در نتیجه آنچه برای افکار عمومی باقی

مانده، این پرسش است: آیا واگذاری ورزشگاه‌ها واقعاً به نفع ورزش است؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟

این پرسش، به نفع ورزش است یا به ضرورت واگذاری؟